

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Geo strategic

جيو ستراتيژيک

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۸ اگست ۲۰۰۸

برگشت ستراتيژيک امپرياليزم روس به افغانستان

روسیه درین اواخر به قدرت نمائی در سطح جهانی آغاز نموده تا بتواند حیثیت از دست رفته اش را باز گرداند. روسیه وارث حقوقی شوروی است و بازگشت به ایام عظمت طلبی شوروی را در سر میپروراند. جنگ در ناحیه قفقاز (جورجیا، اوسیتا جنوبی، ابکازیا)، نزدیکی با کشور های اسلامی، مخالفت با گسترش ناتو در اروپای شرقی و اعاده نفوذ گذشته در افغانستان همه حکایت از هژمونیزم روس میکند. درین جا صرف اهداف ستراتيژيک روس از برگشت به افغانستان را مورد ارزیابی قرار داده و نقش تخریبی این کشور را در آینده ای یک افغانستان ناتوان و مستعمره از نزدیک موشکافی می نمایم.

بهتر شدن اقتصاد روسیه در سال های اخیر و عاید سرشار از تولیدات نفت و گاز، بدون تردید در تحکیم قدرت نظامی و سیاسی روس نقش برجسته داشته است. کشور های امپریالیستی با بهبودی وضع اقتصادی، به بهانه های مختلف به مانور های سیاسی و نظامی در سطح جهانی و منطقوی می پردازند تا بدینوسیله خود را در تقابل با سایر کشور های امپریالیستی برانزده نشان دهند و سهمی در تقسیم دنیا بدست آورند. برای متجاوزین، حقوق بشر، آرامش مردم کشور های مظلوم و اسیر و جنایات ضد بشری ارزش ندارد. قدرت های امپریالیستی به هر عمل تجاوزکارانه خویش یک دلیل و یا دلایل سیاسی و حتی حقوقی ارائه میدهند و بر تجاوز خود صحه میگذارند. درین راستا، به خدمت گرفتن مزدوران داخلی در راه رسیدن به هدف جز پروگرام کار قدرت های امپریالیستی است. افغانستان میتواند بهترین مثال درین خصوص باشد.

برگشت امپریالیزم روس به افغانستان تصادفی نیست، بلکه بر مبنای یک محاسبه و سنجش های دقیق سیاسی و ستراتيژيک استوار بوده است. سقوط طالبان و مداخله امریکا و ناتو در افغانستان فرصت طلایی را در اختیار روسیه گذاشت تا دوباره اما حساب شده خود را در افغانستان اشغالی احیا نماید. روسیه میداند که چه وقت و تا کدام اندازه میتواند از وضع کنونی افغانستان بهره برداری نماید. با شناختی که از سیاست افغانستان دارد، روسیه سعی میکند که اینبار خود را علنی در دام نیاندازد. بعوض، روسیه گذاشت که امریکا و ناتو روز تا روز در باتلاق افغانستان فرو روند و خودش تا زمان رسیدن فرصت مناسب، نظاره گر ناکامی های پی در پی امریکا در عراق و افغانستان باشد.

البته این بدین معنی نیست که روسیه برای همیشه از افغانستان دست شسته و یا علاقه ندارد، بلکه صرف نمیخواهد که بار دیگر در همان دامی بیافتد که در دهه ۱۹۸۰ افتاده بود. قدم های روسیه احتیاط کارانه، اما بسیار خطرناک برای افغانستان اشغالی است. موجودیت يك رهبری وابسته به اجانب در افغانستان توأم با بی امنیتی رو به تزايد و خرابی وضع اقتصادی و اجتماعی هر گونه فرصت مداخله را نه تنها برای روسیه بلکه برای سایر کشور های متجاوز همسایه و غیر همسایه در افغانستان آماده ساخته است. در حقیقت افغانستان فعلی به مرکز ثقل جنگ سرد و جنگ گرم نیرو های اشغالی و کشور های متجاوز همسایه مبدل گردیده است. با در نظر داشت سیالیت سیاسی افغانستان، روسیه هم بدون تردید طرح های برای خود دارد که در تطبیق آن فرو گذاشت نخواهد کرد.

امریکا در تجاوز به افغانستان، حمایت روسیه را با خود داشت. سقوط نظام طالبی برای روسیه هم آرامش خاطر بار آورد. امریکا قادر شد که از خاک کشور های آسیای مرکزی برای اکمالات نظامی خود استفاده کند که بدون پشتیبانی روسیه این يك اقدامی نا ممکن بود. امریکا هم در عوض به روسیه پاداش داد و مزدوران اش را در افغانستان به مقامات عالی دولتی نصب نمود و یا در خدمت گرفت. يك تعداد از خلقیان، پرچمیان و ستمیان را در پارلمان راه داد. امریکا گذاشت که برهان الدین ربانی و سایر عمال جمعیت و شورای نظار عضویت ولسی را بدست آورند، اما زمانیکه ربانی پا را بیش از حد فراتر گذاشت و بدون اجازه در ارگ قدم رنجه نمود، امریکا از دست و پایش گرفته و بدورش افگند. آن محل قبلاً برای حامد کرزی تضمین شده بود. ضیا مسعود را معاون رئیس جمهور ساخت و دستگاه استخباراتی افغانستان را از افراد شورای نظار و جمعیت اسلامی پر نمود. امریکا همچنان ولسوالی کوچک پنجشیر را به ولایت ارتقا داد و نفوس اش را ده مراتبه بلند تر ثبت نمود تا پنجشیر چوکی های بیشتری را در شورا بدست آورد. امریکا همچنان تعداد چوکی های وکلای متمایل به روسیه و ایران را بیشتر ساخت و بر اعمال ضد بشری و جرایم جنگی عمال روس، ایران و پاکستان صحه گذاشت. بدین ترتیب، امریکا رضایت روسیه و ایران را که متحد یکدیگر اند، در حمایت از تجاوز خود به افغانستان جلب کرد، اما هیچگونه نقش نظامی برای روسیه در افغانستان قابل نشد. نظر به گزارش بی بی سی مورخه ۱۸ مارچ ۲۰۰۸، ناتو بار ها تاکید کرد که "این پیمان برای جلب همکاری روسیه با ناتو در زمینه ترانزیت و حمل و نقل سرگرم مذاکره است، لکن بحث حضور عساکر روسیه در افغانستان مطرح نیست...تصمیم در مورد حضور عساکر روسی در افغانستان، تنها از صلاحیتهای (؟) دولت افغانستان است." علامه سوالیه از نویسنده مضمون است که ادعای ناتو را در مورد "صلاحیت" نظام مسعمراتی افغانستان مورد سوال قرار میدهد.

در مجموع روابط امریکا و روسیه به ارتباط افغانستان حتی تا دو سال بعد از تجاوز امریکا بر عراق هم از نگاه شکلی بد نبود. طبق گزارش تاریخی ۲۱ اپریل ۲۰۰۵ اداره اطلاعات امریکا، کاندولیزا رایس وزیر خارجه امریکا اظهار داشت که "روسیه همکار ستراتژیک امریکا در جنگ علیه ترور و اسلحه امحای دسته جمعی است." لکن یکه تازی امریکا در صحنه سیاست جهانی و نادیده گرفتن منافع سایر کشور ها، توسعه ناتو در اروپای شرقی و جمهوریت های شوروی سابق، گسترش مراکز نظامی امریکا در آسیای مرکزی و افغانستان و روش سیاسی و نظامی امریکا در افغانستان و منطقه، روسیه را نسبت به نیت امریکا مشکوک و بدبین ساخته است. بنابراین همان حسن نیت قبلی که بعد از ختم جنگ سرد بر روابط امریکا و روسیه حاکم بود، دیگر وجود ندارد. این حالت خواهی نخواهی تصادمات سیاسی و دیپلماتیکی را هم در بر داشته است. همکاری قدرت های استعماری نمیتواند دوامدار باشد. اهداف استعماری، منافع طویل المدت و بالاخره شیوه کار کشور های امپریالیستی از هم متفاوت بوده که بعد از مدتی هر يك راه های مختلفی را در تامین منافع خود تعقیب میکنند. ما این حالت را در تصادمات نظامی در

جورجیا و ناحیه قفقاز روسیه می بینیم که حسن نیت امریکا و روسیه نسبت به یکدیگر تقریباً به پایان رسیده است. در مورد افغانستان هم تضاد های آشکار بین این دو قدرت امپریالیستی پدید آمده است.

شبکه اطلاع رسانی افغانستان (www.Afghanpaper.com) از قول سفیر روسیه در کابل به ارتباط ناکامی ستراتیژی ناتو و امریکا چنین گزارش داد، "زمانی که نفس امریکا برآمد، زمان آن فرا میرسد که ما یکجا با هند و چین کار را به پایان برسانیم... طالبان دیدند که امریکائی ها با چه مشکلاتی در عراق مواجه گردیدند و درک کردند که بر این هیولا می توان پیروز شد." این طرز صحبت آنها از جانب سفیر روس، عمق تنشج بین روسیه و امریکا را جلوه میدهد. سفیر روسیه یکی از علل وخامت اوضاع اجتماعی - اقتصادی افغانستان را اطمینان بیش از حد امریکائی ها نسبت به اینکه آنها بهتر از دیگران میدانند، دانست. سفیر روسیه گفت که "دول اروپائی ضرورت عاجل شرکت روسیه در مسئله افغانستان را درک میکنند." این گفتار زنگ خطری برای افغانستان خواهد بود. روی همین بازی های جدی سیاسی روس است که مزدوران مسکو در افغانستان مانند پدram، ربانی، دوستم و سایرین بیشتر نسبت به گذشته در کردار و گفتار خود بیباک تر شده اند، زیرا میدانند که از حمایت یک قدرت جهانی برخوردارند. با قرار داد های مخفی احمد شاه مسعود با شوروی در پس منظر، برادران مسعود، قانونی و سایر عمال شورای نظار هم خود را گاه و بیگاهی تبارز میدهند. مزدوران روس و ایران "جبهه ملی" را برای رویارویی با یک فرد ضد ملی دیگری مانند حامد کرزی بنیانگذاری نمودند. سفیر روسیه در کابل حین مصاحبه با بی بی سی بتاريخ ۱۷ مارچ ۲۰۰۸ در مورد "جبهه ملی" اظهار داشت که "ما آنها را به عنوان مخالف دولت نمی بینیم." این جمله سفیر روسیه، دورنمای امیال استعماری روسیه را در استفاده از مزدوران "جبهه ملی" ثابت میسازد. "جبهه ملی متشکل از منافقین مذهبی و چپی های متقلب است که در استخدام شوروی سابق بودند. این دو جناح افغانستان را به بربادی و تباهی کشانیدند. حال که هر دو جناح در یک جبهه ضد ملی گرد آمده اند، از مدافعین پروپا قرص منافع روس در افغانستان بشمار میروند. درینجا قابل تذکار میدانیم که روسیه دقیقاً پالیسی شوروی را در افغانستان دنبال میکند. از یکسو با حکومت مرکزی در کابل روابط نزدیک سیاسی برقرار ساخته، اما از سوی دیگر با جناح های مخالف حکومت در تماس نزدیک است. روسیه در ناکامی حکومت مرکزی در کابل مخفیانه نقش بازی میکند و از مزدوران جمعیتی - شورای نظاری درین خصوص استفاده می برد.

با در نظر داشت نکات بالا، اهداف کلی امپریالیزم روسیه در افغانستان طور آتی خلاصه میگردد:

۱. تشویق فدرالیزم و تسلط بر مناطق شمال و سر انجام تجزیه کشور
۲. تسلط بر منابع انرژی افغانستان
۳. جبران شکست سوسیال امپریالیزم شوروی به هر نحوی ممکن
۴. دامن زدن اختلافات قومی، زبانی و مذهبی غرض ناتوان ساختن هر چه بیشتر افغانها
۵. تضعیف حکومت مرکزی در کابل
۶. احیای سلول های جاسوسی کی جی بی
۷. تحت فشار دادن و ناکام ساختن امریکا و ناتو
۸. استفاده از "جبهه ملی" برای پشیمرد مقاصد سیاسی و استخباراتی و بی اعتبار جلوه دادن افراد ملی گرا و ضد استعمار با برچسب زدن بر آنها

۹ . همکاری با ایران در مقابله با امریکا و تقسیم افغانستان به مناطق تحت نفوذ و استفاده مشترک از مزدوران داخلی

۱۰ . بازی آشکار با حکومت مستعمراتی کابل، کمک پنهانی به طالبان و گروه های های مخالف

حکومت مرکزی

طوریکه مشاهده میشود، روسیه افغانستان را رها نمیکند. يك افغانستان اشغالی در حال کنونی میتواند بهترین طعمه برای شکار روسیه باشد. عمال روسیه در افغانستان در تمام ساحات به نفع این کشور فعالیت دامنه داری را آغاز کرده اند. قابل یادآوری است که برهان الدین ربانی رهبر تنظیم منافقین جمعیت اسلامی و رهبر کنونی "جبهه ملی" بر طبق فرهنگ خیانت بوطن، با سرسپردگی خاص خودش روسیه را از پرداخت غرامات جنگی به افغانستان معاف نمود. خاموشی و حتی رضایت سایر مذهبیبون مانند نقیب، حضرت، محقق، خلیلی، سیاف و محسنی از حالت کنونی و حضور بیگانگان در کشور و همکاری این گروه با عمال روس، لکه ننگ ابدی را بر چهره های ناپاک و ضد ملی آنها خواهد گذاشت. اعضای شورای نظار بخاطر سپاس همیشگی به روس (شوروی سابق) در حمایت از آنها در دوره جهاد بر ضد مجاهدین اصیل و آماده ساختن شرایط برای سهم بیشتر آنها در آینده افغانستان، پشاپیش سایر گروه های متمایل به مسکو در حرکت اند. همچنان نقش خاننانه ناسیونالیست های کاذب و ضعیف النفس مانند احدی و شُرکا در همکاری با يك نظام مستعمراتی و ضد ملی فراموش مردم آزادیخواه ما نخواهد شد. پس می بینیم که بازی های جدید سیاسی بین امریکا و روسیه، افغانستان را به میدان "بازی بزرگ" جدید مبدل ساخته است. در نتیجه، افغانستان به يك کشور مستعمره، اشغال شده، فقیر و نا امن تغیر شکل داده و در نتیجه روسیه به اهداف ستراتیژیک خود خواهد رسید .

با وجود این نا بسامانیها، من آینده روشنی را در افق سیاسی افغانستان می بینم که آن اراده مردم آزاده کشور است که بالاخره میهن را از اشغال بیگانگان نجات خواهد داد، مزدوران اجانب را نابود خواهد ساخت و جامعه ای ما را بسوی آزادی و رستگاری هدایت خواهد کرد. امپریالیزم روس و یا هر امپریالیزم دیگری بحکم تاریخ کشور در زیر ضربات خرد کننده اراده آهنین مردم ما با سرشکستگی کامل افغانستان را اجباراً ترك خواهد کرد و مزدوران داخلی آنها هم همراه با باداران بیرون مرزی به قعر تاریخ فرو خواهند رفت .